

Types of Religiosity of Female Students in Tehran

Zahra Soleimani Alavije*

Mohammad Reza Pouyafar**

Khadijah Zolghadr***

Abstract

Religion provides a set of elements for an orderly and sacred understanding of the world. After many years of shadowing religion in human life, in the modern era, some people believe that religion has become less prominent in people's lives, and others point to the emergence of new styles of religiosity. In any case, religion plays a prominent role in the individual and social life of people and deserves attention. In the current research, he studied the types of religiosity of female students in the city of Tehran, and for this purpose, qualitative approach and phenomenological method were used. According to the tradition of phenomenology, sampling was done in a targeted way and among the students born in the fifties and sixties of Islamic Azad Universities in Tehran, and finally the number of samples reached fifteen people. The data collection tool was the interview, which continued until theoretical saturation was reached. By analyzing the interviews based on the three main pillars of religiosity, i.e., religious beliefs and beliefs, religious actions, religious emotions and feelings, four types of religiosity were obtained, which were: Sharia-ritualistic, emotional-semantic, self-referential, and moralistic religiosity. The diversity of these types of religiosity shows that the religiosity of women in today's Iranian society has undergone a transformation. These changes resulting from the personalization of religion and the developments affected by modernity have introduced different types of religiosity from the past that can have an impact on the formation of the cognitive, ideological and social order of the society. have a lot.

Key words: Religiosity, Women, Modernity, Daily life, Moralism.

* Ph.D. student, Sociology, Research Sciences Unit, Islamic Azad University, Tehran, Iran,
z.soleimani109@gmail.com

** Assistant Professor, Department of Sociology, Amin University of Police Sciences, Tehran, Iran
(corresponding author), mrpouyafar@gmail.com

*** Assistant Professor, Department of Sociology, Research Sciences Unit, Islamic Azad University,
Tehran, Iran, kzolghadr@hotmail.com

گونه‌های دین‌داری زنان دانشجو شهر تهران

زهرآ سلیمانی علویجه*

محمد رضا پویافر**

خدیجه ذوالقدر***

چکیده

دین، مجموعه عناصری را برای فهم منظم و مقدس جهان فراهم می‌کند. پس از سالیان دراز سایه‌افکنی دین در حیات بشری، در عصر مدرن برخی معتقدند که دین در زندگی انسان‌ها کم‌رنگ‌تر شده و برخی دیگر به پیدایش سبک‌های جدید دین‌داری اشاره می‌کنند. در هر حال، دین نقش پررنگی در حیات فردی و اجتماعی انسان‌ها دارد و شایسته توجه است. در پژوهش حاضر به مطالعه گونه‌های دین‌داری زنان دانشجو در شهر تهران پرداخته و بدین‌منظور از رویکرد کیفی و روش پدیدارشناسی استفاده شده است. مطابق سنت پدیدارشناسی، نمونه‌گیری به روش هدفمند و از بین دانشجویان متولد دهه‌های پنجاه و شصت دانشگاه‌های آزاد اسلامی شهر تهران انجام شد و سرانجام تعداد نمونه به پانزده نفر رسید. ابزار گردآوری داده مصاحبه بود که تا رسیدن به اشباع نظری ادامه یافت. با تحلیل مصاحبه‌ها براساس سه رکن اصلی در دین‌داری یعنی اعتقادات و باورهای دینی، اعمال دینی، عواطف و احساسات دینی، چهارگونه دین‌داری به دست آمد که عبارت بودند از: دین‌داری شریعت‌گرا-مناسک‌گرا، عاطفه‌گرا-معناگرا، خودمرجع و اخلاق‌گرا. تنوع این گونه‌های دین‌داری نشان می‌دهد که دین‌داری زنان در اجتماع امروز ایرانی دچار دگرگونی شده است. این تغییرات برآمده از شخصی‌سازی دین و تحولات متأثر از مدرنیته، سنخ‌های دین‌داری متفاوتی از گذشته را معرفی نموده است که می‌توانند در صورت بندی انتظام معرفتی عقیدتی و اجتماعی جامعه تأثیرات زیادی داشته باشند.

واژگان کلیدی: دین‌داری، زنان، مدرنیته، زندگی روزمره، اخلاق‌گرایی.

* دانشجوی دکتری، رشته جامعه‌شناسی، واحد علوم تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

z.soleimani109@gmail.com

** استادیار گروه جامعه‌شناسی، دانشگاه علوم انتظامی امین، تهران، ایران (نویسنده مسئول). mrpouyafar@gmail.com

*** استادیار گروه جامعه‌شناسی، واحد علوم تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران. kzolghadr@hotmail.com

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۶/۲۴ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۱۱/۰۷

مقدمه و بیان مسئله

دین از دیرباز بستر تحول صورت‌های افکار بشری در طول تاریخ بوده است و مدام دستخوش تغییراتی شده است؛ با این تفاوت که سرعت تغییرات آن در اعصار مختلف متفاوت بوده است. اکنون، در عصر مدرن دینی، تعلق‌های جماعتی به سبک گذشته به‌مرور جای خود را به پیوندهای شناور و کم‌و‌بیش گذرایی داده‌اند که فرد در کنش و واکنش‌های روزمره‌اش با افراد و گروه‌های دیگر برقرار می‌کند (خدامی، ۱۳۹۶: ص ۱۷). به‌دیگرسخن، بنابر نظر گهلن^۱ در دنیای مدرن با نهادزدایی^۲ و ذهنی‌سازی^۳ مواجه هستیم؛ یعنی اقتدار نهادها رو به افول بوده و دیگر نمی‌توانند عهده‌دار نقش تأمین مستمر معنا و پایداری برای فرد باشند. ازسوی دیگر، از مقبولیت و اعتبار آن هم کاسته شده است. دراین‌حالت، فرد به خود و ذهنیت خود رجوع می‌کند تا به معنای لازم برای زیستن دست یابد (تصدی‌کاری و همکاران، ۱۳۹۹). درچنین حالتی افراد باورهای خود را به شیوه‌ای مستقل و در قالب ارگانیزم‌های خردی از باورها شکل می‌دهند که متناسب با خواسته‌ها و تجربه‌های شخصی آنهاست. تکه‌بندی باورها بر مبنای منابعی صورت می‌گیرد که در بازار کالاهای نمادین در دسترس است. البته گفتنی است که فرد دراین‌فرآیند تکه‌بندی، آزادی تام و تمام ندارد؛ بلکه در درون ساختارهایی عمل می‌کند که پیتز برگر آن را ساختارهای مقبولیت نام نهاده است (ارویولژه و همکاران، ۱۳۹۶، ص ۱۸).

باوجوداین، نمی‌توان گفت که مسلماً دین‌داری افراد دچار افول شده است. ایولامبر به‌خوبی نشان می‌دهد نه تنها هر عنصری را که در نظر بگیریم تأثیری یک‌سویه در کاهش تعهدات دینی افراد ندارد، بلکه حتی می‌تواند به نفع دین عمل کند. بدین‌ترتیب فردی شدن نه تنها می‌تواند باعث تضعیف دین‌داری نشود، بلکه می‌تواند پذیرش یک ایمان شخصی‌تر و حتی مستقل از ادیان را تسهیل کند. در حالت کلی می‌توان بیان کرد که مدرنیته سبک دیگری از تجربه دینی را از طریق فعالیت‌های اجتماعی و برقراری ارتباط با سنت‌ها و تعالیم دینی عرضه می‌کند. (ارویولژه و همکاران، ۱۳۹۶، ص ۴۴). بنابراین، مدرنیته توانسته است تغییرات اساسی‌ای در دین‌داری افراد به‌وجود آورد.

در جامعه ایران، دین و پایبندی به ضوابط اخلاقی و هنجارهای تعیین‌شده آن، بار عظیمی از سلامت اجتماعی جامعه ایران را برعهده دارد و صرف‌نظر از دین آمرانه یا حکومتی، نهاد دین در طول تاریخ این سرزمین متولی تعیین ضوابط و اصول اخلاقی بوده است. تحولات دراین‌نهاد مانند

1. Gehlen

2. Deinstitutionalization

3. subjectivation

دگراندیشی، نواندیشی و نوزایی، افزایشی یا کاهشی نمودن رویکردهای تعبد در دین و دیگر موارد این‌چنینی، که سبب ایجاد گونه‌های جدیدی از دین‌داری می‌شود، می‌تواند جامعه را به انحای گوناگون متأثر کند.

حال این صورت‌بندی‌های جدید می‌توانند به سرعت بازتولید شوند. به عبارتی، زیست جهان شهر، شامل سبک زندگی، رفتارهای اجتماعی و تردد در محیط‌های عمومی همچون مترو، اتوبوس، مراکز خرید و... می‌توانند در تکثیر این گونه‌های جدید سهم عمده‌ای داشته باشند. به علاوه، با مصرف رسانه - تلویزیون خارجی و داخلی، وبگاه‌های اینترنتی، شبکه‌های اجتماعی و پیام‌رسان‌ها - افراد در معرض تجربه مداوم و بازسازی خود هستند. مطالعات نشان می‌دهند که رسانه‌های متعارف مانند روزنامه‌ها و تلویزیون به طور قابل توجهی به تغییر معنای مسلمان مدرن بودن کمک می‌کنند (فوزی و همکاران، ۲۰۲۰). همچنین، وارن (۲۰۱۹) در مطالعه‌ای نشان می‌دهد که این اتفاق برای زنان مسلمان انگلیسی دارای تحصیلات عالی رخ داده و آنان به عنوان خالقان فرهنگی در رسانه‌ها و صنعت مد عمل کردند که مشخص می‌کند تأثیرپذیری زنان از رسانه‌ها مختص زنان مسلمان ایرانی نیست. ازسوی دیگر، بررسی تطبیقی تحولات دین‌داری بین مادران و دخترانشان نشان می‌دهد که دختران به دلایلی از جمله حضور در دانشگاه، ارتقای سطح سواد و تحصیل، تقویت روحیه پرسش‌گری و انتقادپذیری، دگرگونی دین‌داری را تجربه کرده و دین‌داری خود را نقد و بازاندیشی کرده‌اند (کمالی اردکانی و همکاران، ۱۴۰۱).

ازجمله تغییراتی که عوامل یادشده در دین‌داری به وجود آورده‌اند می‌توان به کاهش شاخص نمازخواندن با شیبهی ملایم (طالبان، ۱۳۹۶)، بی‌اعتقادی به معاد (کمالی اردکانی و همکاران، ۱۴۰۱)، میل به شخصی کردن امور دینی (علی‌پور و همکاران، ۱۳۹۸)، قداست‌زدایی از شخصیت‌های مذهبی (نظری، ۱۳۹۳)، توجه بیشتر به امر اخلاقی و انسانیت به جای امر دینی (تصدی‌کاری و همکاران، ۱۴۰۰) اشاره کرد. بنابراین، از یک طرف، زنان ایرانی تحت تأثیر مدرنیته قرار می‌گیرند و مسائل جدیدی در زندگی روزمره آنها به وجود می‌آید که لزوم ایجاد تغییراتی در دین‌داری سنتی را پررنگ‌تر می‌کند و از طرف دیگر، زنان امروزه حضور پررنگ‌تری در اجتماع دارند و از این رو بیشتر می‌توانند عقاید و باورهای جدید خودشان را تکثیر کنند. این دو مورد نشان می‌دهد که دین‌داری در جامعه زنان ایرانی به سرعت دچار تغییراتی می‌شود که نیازمند شناخت کافی هستند. چنانچه این صورت‌بندی‌های جدید تحلیل و ارزیابی نشود، از نتایج آسیب‌های اجتماعی آن غافل خواهیم شد. از این رو، در پژوهش حاضر به دنبال گونه‌شناسی دین‌داری در زنان دانشجو در تهران هستیم.

مبانی نظری

انسان زمانی می‌تواند به زندگی خود دوام دهد که به جهان ناپایدار و نامعین پیرامونش، با یک نظام معنایی، نظامی اجتماعی بدهد. از نظر برگر، حیات اجتماعی گریزان از بی‌نظمی است. انسان بودن هم به معنای زندگی در واقعیتی منظم است. این عمل معنادار ساختن جهان، مقوله‌ای است که انسان را انسان می‌سازد. اساسی‌ترین نیاز انسان یافتن نظم و معناجویی است. باوجوداین، جهان اجتماعی که فرد می‌سازد نمی‌تواند تمامی تجربیات فرد را معنادار کند. در این نقطه دین پدیدار می‌شود. دین به وجود می‌آید تا پاسخگوی برخی تجارب انسانی باشد که جهان اجتماعی نمی‌تواند آنها را پاسخ دهد. از مهم‌ترین این تجارب می‌توان مرگ را نام برد. به باور برگر و کلنر (۱۹۷۳) موقعیت‌های این‌چنینی می‌تواند افراد و جامعه را با مسئله‌ای اساسی مواجه کند و نظم اجتماعی حاصل را نیز زیر سؤال برد (ایزدی، ۱۳۹۰). بنابراین، انسان‌ها با دین و تغییراتی که در آن به وجود می‌آورند، جهان اجتماعی خود را معنادارتر می‌کنند. هدف دین پایدارکردن معانی متزلزل و ناپایدار جهان اجتماعی است.

باوجوداین، در جوامع مدرن نقش دین تغییر کرده است. در جوامع پیشامدرن دین سایبان مقدسی بود که کل جامعه را دربرمی‌گرفت. اکنون دیگر این سایبان مشروعیت، محافظت و ایجاد معنا و نظم را فراهم نمی‌کند. جامعه‌ای که تمایز می‌یابد، برخی نهادهای جامعه‌ایی از دین جدا می‌شوند. در این حالت دین ساختار مقبولیت خود را از دست می‌دهد (فورشت و رپستاد، ۱۳۹۴: ص ۱۹۲). به همین صورت، دین‌داری افراد نیز دست‌خوش تغییر می‌شود. اریولرزه این وضعیت را مدرنیته دینی می‌نامد. منظور وی از این وضعیت مدرن شدن دین و دین‌داری است نه مدرنیته‌ای دیگر. وی از انتقال و شکل‌گیری هویت‌های اجتماعی دینی سخن می‌گوید و تأکید می‌کند که در جامعه مدرن جامعه‌پذیری دینی امر پیچیده‌ای شده است. او در توضیح مدرنیته دینی از مدرنیته روان‌شناختی هم بهره می‌گیرد که بدین‌معناست که فرد باید خود بیندیشد و ورای هرگونه هویت موروثی تلاش کند هویت شخصی به دست بیاورد. در جامعه مدرن به دلیل تفکیک نهادی و قلمروهای متفاوت فعالیت اجتماعی، افراد تجربه‌های زیسته گوناگونی دارند (تصدی‌کاری و همکاران، ۱۳۹۹). چنین رویکردی، هرچند از نگاهی متفاوت، در آرای گیدنز در مورد مدرنیته و مدرنیته متأخر قابل مشاهده است.

در نظریه گیدنز مدرنیته دارای دو مرحله است: اولیه و متأخر. برداشت گیدنز در رویارویی در هرکدام از این مراحل متفاوت است. او در بررسی تکامل اجتماعی جوامع دریافته است که در شروع مدرنیته بیشتر جامعه‌شناسان معتقد بودند که اثرات و جایگاه اجتماعی دین در حال نابود

شدن است و این دیدگاه از مارکس آغاز می‌شود او بر این باور بود که پیشرفت تکنولوژی و اجتماع علم‌اندیش باعث می‌شود کارکردهای معنوی‌گرایانه و متافیزیک دین به تدریج بی‌اثر و نابود شود. اما گیدنز ضمن رد این نظریه‌ها و با توجه به شروع جریان‌های نواندیش و جنبش‌های دینی نوظهور نتیجه می‌گیرد که در دوران مدرنیته متأخر دین به جریان تعامل با مدرنیته پیوسته است و این مصالحه مسالمت‌آمیز با بازاندیشی قرین شده است. البته نباید از نظر دور داشت که نیازهای جدید انسان در این دوره چون عبور از مادی‌گرایی افراطی و میل به معنویت و امور فرامادی باعث این قرابت شده است. همچنین، گیدنز بر بازاندیشی دین در عرصه‌های اجتماعی تأکید می‌کند. گیدنز مخالف سلطه نمادهای دینی بر حوزه‌های مختلف زندگی انسانی است؛ با وجود این، به اهمیت فردی و اجتماعی دین آگاه است و آن را واقعیتی اجتماعی در همه جوامع شناخته‌شده بشری می‌داند. از دید گیدنز، بخش اصلی و محوری تجربه بشر در درک محیط زندگی و واکنش به آن، دین بوده است (گیدنز، ۲۰۰۶: ص ۳۳۵).

از این رو، با اتخاذ رویکردی ترکیبی از نظریه‌های یادشده، مفروض مقدماتی این است که پافشاری بر هم‌نوایی با حقایق دینی سنتی در مقایسه با اصالت شخصی سوژه که دنبال حقیقت خود است، ارزش پیشین خود را از دست داده باشد. بنابراین، انتظار می‌رود زنان ایرانی هم براساس نظام فکری و تجربه زیسته خود مسیرهای دین‌داری خاصی برای خود برگزیده و اشکال دین‌داری متفاوتی ایجاد کرده باشند.

مروری بر مطالعات گذشته

تصدی‌کاری و همکاران (۱۳۹۹) در پژوهشی به سنخ‌شناسی دین‌داری در میان جوانان شهر رشت پرداخته‌اند. در این مطالعه که با روش کیفی و با ابزار مصاحبه انجام شد، ۱۶ نفر از جوانان ۲۱ تا ۳۶ ساله رشتی مطالعه شده‌اند. نتایج نشان داد که جوانان از دین‌داری خانوادگی خود دور شده‌اند، منتقد دین‌داری شریعت‌مدارانه و فقه‌مدارانه بوده و بیشتر متمایل به دین‌داری عاطفی هستند. پویافر (۱۳۹۷) در مطالعه‌ای به گونه‌شناسی زیارت در میان زائران حرم رضوی پرداخته است که قرابت نزدیکی به انواع دین‌داری دارد. در این مطالعه ۲۸ مصاحبه با زائران حرم امام رضا (علیه السلام) انجام شده است و در سنجش انواع دین‌داری از سه بعد اندیشه‌ها (باورها)، کنش‌ها (اعمال) و احساسات و عواطف استفاده شده است. نتایج نشان داد که گونه‌های به دست آمده شامل سنت‌گرا-عادت‌گرا، شریعت‌گرا-مناسک‌گرا، عاطفه‌گرا-معناگرا، مبادله‌گرا-کارکردگرا و عقلانیت‌گرا-بازاندیش بودند.

جعفری کافی‌آباد و سیدغراب (۱۳۹۷) در مطالعه‌ای به پدیدارشناسی گونه‌های دین‌داری دانشجویان پرداخته‌اند. داده‌های این پژوهش از مصاحبه‌های عمیق با پنجاه نفر از دانشجویان دانشگاه‌های تهران و شریف و در دو مرحله به‌دست آمده است. در این پژوهش از روش نظریه مبنایی برای تحلیل و طبقه‌بندی داده‌ها در جهت دستیابی به الگوی گونه‌شناسی استفاده شده است. نتایج حاصل از کدگذاری داده‌ها الگویی چهاروجهی شامل راهبردهای هستی‌شناسانه، راهبردهای معرفتی فرد نسبت به دین، موضع فرد نسبت به کیفیت حضور دین در اخلاق اجتماعی و سیاست و بازتاب مواضع معرفتی در اتخاذ راهبرد عملی نسبت به دین را نشان داد که هرکدام شامل چندین گونه دین‌داری بوده است.

طالبی و براق‌علی‌پور (۱۳۹۴) انواع دین‌داری را در بین زائران حرم امام رضا (علیه‌السلام) با استفاده از نظریه زمینه‌ای بررسی کرده‌اند. نتایج این مطالعه هفت گونه دین‌داری را ذیل سه الگوی دین‌داری معرفت‌بنیاد (شامل دین‌داری مکتبی، سنتی، روشنفکرانه، شبه‌روشنفکرانه)، غیر معرفت‌بنیاد (شامل دین‌داری مناسکی، مناسبتی) و جدید (دین‌داری نوظهور) نشان می‌دهد. حسن‌پور و شجاعی‌زند (۱۳۹۳) انواع گونه‌های دین‌داری را در بین جوانان شهر اصفهان بررسی کرده‌اند. در این مطالعه از روش ترکیبی استفاده شده است. نتایج فاز کیفی پژوهش نشان می‌دهد هشت گونه دین‌داری در بین جوانان شهر اصفهان وجود دارد که عبارت‌اند از: دین‌داری عبادی، مناسکی، فقهی، توسلی، خودمرجع، ترکیبی، قلب‌پاک، اخلاق‌گرا. نتایج فاز کمی هم میزان تکرار انواع این دین‌داری‌ها را نشان می‌دهد که برجسته‌ترین آنها دین‌داری مناسکی بود.

حسن‌پور و ربانی (۱۳۹۳) به بررسی مطالعات گونه‌شناسی دین‌داری پرداخته و نگاهی انتقادی به آنها داشته‌اند. در این مطالعه، سه شیوه گونه‌شناسی از هم تفکیک شده است: اول) گونه‌شناسی استقرایی که با روش‌های کیفی انجام شده و در آنها از معیار گونه‌شناسی خاصی بهره گرفته نشده است؛ مانند مطالعه اسدی (۱۳۹۰)؛ دوم) گونه‌شناسی قیاسی که با روش‌های کمی مانند پیمایش انجام شده است؛ مانند مطالعه گنجی و هلالی (۱۳۹۰)؛ سوم) یک مدل گونه‌شناسی برگزیده و این مدل در جامعه آماری بررسی شده است؛ مانند مطالعه ذوالفقاری (۱۳۸۹).

رانه و دودریجا^۱ (۲۰۲۱) در مطالعه‌ای گونه‌های دین‌داری شهروندان مسلمان در استرالیا را بررسی کرده‌اند. استرالیایی‌های مسلمان را برحسب عوامل مختلف مورد بررسی قرار داده‌اند که عبارت‌اند از: عوامل جمعیتی، سؤالات مربوط به شرع و اسلام سیاسی، منابع نفوذ، ترجیحات

1. Rane & Duderija

برای تفسیر قرآن، دیدگاه در مورد موضوعات مختلف اخلاقی، اجتماعی و کلامی، تعامل با غیرمسلمانان و باز بودن به دانش جدید در مورد اسلام. نتایج نشان می‌دهد که برخلاف دیدگاه‌های کلیشه‌ای از اسلام و مسلمانان، گونه‌های دین‌داری لیبرال و مترقی در بین استرالیایی‌های مسلمان حضور پررنگی دارد.

استریب، چن و هود^۱ (۲۰۱۹) انواع دین‌داری را بررسی کرده‌اند. داده‌ها از طریق پاسخگویی به ۲۵ سؤال در مصاحبه توسعه ایمان (FDI)^۲ به دست آمده‌اند. در این مطالعه ۶۷۷ شرکت‌کننده از ایالات متحده و آلمان وجود داشت و در آن از نظریه سلسله‌مراتبی توسعه ایمان فالر^۳ استفاده شده است. نتایج، چهارگونه دین‌داری را نشان می‌دهد که از ترکیب سه بعد حقیقت متون و آموزه‌ها^۴ (ttt)، انصاف، تحمل و انتخاب منطقی (FTR)^۵ و زنوزوفیا/گفتگوی بین مذهبی (Xenos)^۶ به دست آمد. گونه‌ها شامل کاملاً قومی^۷ (با ttt بالاتر و xenos پایین‌تر)، عمدتاً متعارف^۸ (با ttt پایین‌تر و xenos بالاتر) که دارای بیشترین فراوانی در بین شرکت‌کنندگان بود، و گونه عمدتاً خودبازتابنده^۹ و گفتگوی بین‌ادیانی در حال ظهور^{۱۰} بود.

نیکولت و ترسچ (۲۰۰۹) در مطالعه‌ای به گونه‌شناسی دین‌داری با روش کتی و با استفاده از پرسش‌نامه پرداخته‌اند. داده‌های این پژوهش از سه موج پیمایش ارزش‌های ملی^{۱۱} در سوئیس به دست آمده است. نتایج نشان‌دهنده دو نوع دین‌داری متعلقان به کلیسا (که بر تعلق، درگیری و مشارکت در فعالیت‌های کلیسا مبتنی است) و معتقدان به کلیسا (که به نوعی دین‌داری شخصی و نامتناسج اشاره دارد) بود. در این بخش مطالعات گونه‌شناسی دین‌داری داخلی و خارجی انجام شده در قالب جدول ۱ قابل مشاهده است.

-
1. Streib, Chen & Hood
 2. Faith Development Interview
 3. Fowler
 4. truth of texts and teachings
 5. fairness, tolerance and rational choice
 6. xenosophia/inter-religious dialog
 7. Substantially Ethnocentric
 8. Predominantly Conventional
 9. Predominantly Individuative-Reflective
 10. Emerging Dialogical-Xenosophic
 11. World Value Survey

جدول ۱: پیشینه مطالعات داخلی و خارجی

محقق	سال	روش	جامعه	نتایج
تصدی‌کاری، محدثی گیلوانی و معدنی	۱۳۹۹	تحلیل روایت با ابزار مصاحبه	جوانان ۲۱ تا ۳۶ ساله شهر رشت	به‌دست‌آمدن هفت گونه دین‌داری شامل اعتقادی، عاطفی، عرفانی-معنوی، مناسکی، شریعت‌مدارانه، اخلاقی-فردی، اخلاقی-اجتماعی
پویافر	۱۳۹۷	پدیدارشناسی با ابزار مصاحبه و مشاهده	زائران حرم رضوی	به‌دست‌آمدن گونه‌های زیارت سنت‌گرا- عادت‌گرا، شریعت‌گرا-مناسک‌گرا، عاطفه‌گرا-معناگرا، مبادله‌گرا-کارکردگرا و عقلانیت‌گرا-بازاندیش
جعفری کافی‌آباد و سیدغراب	۱۳۹۷	پدیدارشناسی با ابزار مصاحبه	دانشجویان دانشگاه‌های تهران و شریف	به‌دست‌آمدن الگویی چهاروجهی شامل راهبردهای هستی‌شناسانه، راهبردهای معرفتی فرد نسبت به دین، موضع فرد نسبت به کیفیت حضور دین در اخلاق اجتماعی و سیاست و بازتاب مواضع معرفتی در اتخاذ راهبرد عملی نسبت به دین که هرکدام شامل چندین گونه دین‌داری بوده است.
طالبی و براق علی‌پور	۱۳۹۴	نظریه زمینه‌ای با ابزار مصاحبه	زائران حرم امام رضا	به‌دست‌آمدن هفت گونه دین‌داری ذیل سه الگوی دین‌داری معرفت‌بنیاد (شامل دین‌داری مکتبی، سنتی، روشنفکرانه، شبه‌روشنفکرانه)، غیرمعرفت‌بنیاد (شامل دین‌داری مناسکی، مناسبتی) و جدید (دین‌داری نوظهور).
حسن‌پور و شجاعی‌زند	۱۳۹۳	روش ترکیبی با ابزار مصاحبه و پرسش‌نامه	جوانان شهر اصفهان	به‌دست‌آمدن هشت گونه دین‌داری شامل دین‌داری عبادی، مناسکی، فقهی، توسلی، خودمرجع، ترکیبی، قلب‌پاک، اخلاقی‌گرا.
رانه و دودریجا	۲۰۲۱	پیمایش با ابزار پرسش‌نامه	شهروندان مسلمانان استرالیا	پرنسب بودن گونه‌های دین‌داری لیبرال و مترقی در بین استرالیایی‌های مسلمان (برخلاف دیدگاه های کلیشه‌ای از اسلام و مسلمانان)
استریب، چن و هود (۲۰۱۹)	۲۰۱۹	پیمایش با ابزار پرسش‌نامه	شهروندان ایالات‌متحده و آلمان	به‌دست‌آمدن گونه‌های کاملاً قومی ^۱ ، عمدتاً متعارف ^۲ (که دارای بیشترین فراوانی در بین شرکت‌کنندگان بود)، عمدتاً خودبازتابنده ^۳ و گفتگوی بین‌ادیانی در حال ظهور ^۴ .
نیکولت و ترسج	۲۰۰۹	پیمایش با ابزار پرسش‌نامه	شهروندان سوئیس	به‌دست‌آمدن دو نوع دین‌داری متعلقان به کلیسا (که بر تعلق، درگیری و مشارکت در فعالیت‌های کلیسا مبتنی است) و معتقدان به کلیسا (که به‌نوعی دین‌داری شخصی و نامتناجس اشاره دارد).

1. Substantially Ethnocentric
2. Predominantly Conventional
3. Predominantly Individuative-Reflective
4. Emerging Dialogical-Xenosophic

از بررسی مطالعات به نظر می‌رسد دین‌داری در جوامع مختلف دستخوش تغییرات اساسی‌ای شده است که این تغییرات در جامعه‌ای مانند ایران حتی پررنگ‌تر بوده است. مطالعات زیادی گونه‌های دین‌داری را در بین ایرانیان بررسی کرده‌اند؛ ولی تا جایی که محقق جستجو کرده است، مطالعه‌ای انجام نشده است که انواع دین‌داری را در بین زنان دانشجو در شهر تهران بررسی کرده باشد؛ ازاین‌رو در پژوهش حاضر به این موضوع پرداخته شده است.

روش پژوهش

در پژوهش حاضر از روش‌شناسی کیفی و روش پدیدارشناسی بهره گرفته شده است. با توجه به ماهیت و هدف پژوهش که مبتنی بر نگاه درون‌نگرانه همدلانه توأم با نگاه همراه با بی‌طرفی ارزشی برای درک تجربه زیست دینی زنان درگیر در اقتضانات زندگی روزمره بوده، مناسب‌ترین چارچوب، چارچوب مطالعات پدیدارشناختی برای مطالعه و گونه‌شناسی دین‌داری جمعیت موردمطالعه بوده است. جمعیت موردمطالعه در پژوهش حاضر زنان و دختران متولد دهه‌های ۱۳۵۰ و ۱۳۶۰ در دانشگاه‌های آزاد اسلامی شهر تهران بودند. مطابق با اصول پژوهش کیفی، نمونه‌گیری تا رسیدن به اشباع نظری ادامه یافت و نمونه‌ها با استفاده از نمونه‌گیری هدفمند برگزیده شد تا به تعداد پانزده نفر رسید. ابزار گردآوری داده‌ها مصاحبه عمیق بود و همان‌طور که اشاره شد، پس از رسیدن به اشباع نظری مصاحبه‌ها متوقف شدند. همچنین، جهت افزایش اعتبار یافته‌ها از روش مثلث‌بندی یا تثلیث^۱ استفاده شد که براساس آن تفسیر داده‌های کیفی با روش‌های موازی آزموده می‌شود. درواقع، اصل اساسی مثلث‌بندی، کاربرد راهبردهای مناسب و روش‌های متعدد برای شناخت پدیده است. اهداف اساسی مثلث‌بندی، تأیید یافته‌ها از طریق همگرایی چشم‌اندازهای مختلف است (جک و راتوری، ۲۰۰۶). در این مقاله، در کنار مصاحبه‌ها، از مشاهدات خود از زنانی نیز استفاده شده است که در پژوهش شرکت نکرده بودند. طبق نظر الام^۲ (۲۰۰۵) یکی از راه‌های تثلیث، استفاده هم‌زمان از مصاحبه و مشاهده است.

گفتنی است مطالعه حاضر نوعی گونه‌شناسی است. گونه‌شناسی یا تیپولوژی^۳ نوعی دسته‌بندی پدیده‌ها براساس شباهت‌های آنها به گروه‌ها یا دسته‌هاست (بیلی، ۱۹۹۴)^۴. ازاین‌رو، گونه‌شناسی شیوه‌ای خاص برای طبقه‌بندی رویدادها و کنش‌ها در گروه‌های متمایز است. هدف از گونه‌شناسی

1. Triangulation

2. Alam

3. typology

4. Bailey

شناسایی مشابهت‌ها، الگومندکردن آنها، و تشخیص ارتباط بین الگوها براساس معیاری یکسان است. با توجه به تعاریف ارائه شده راهی که بتواند ما را به هدف پژوهش برساند، استفاده از گونه‌شناسی است.

تجزیه و تحلیل داده‌ها

همان‌طور که اشاره شد، در این پژوهش با ۱۵ زن دانشجو در دانشگاه‌های آزاد تهران متولد دهه‌های ۱۳۵۰ و ۱۳۶۰ مصاحبه شده است. از میان مشارکت‌کنندگان، ۷ نفر از آنها دانشجوی کارشناسی ارشد و ۸ نفر دانشجوی دکتری بودند. ۱۱ نفر از زنان شاغل و ۴ نفر از آنها خانه‌دار بودند و در مورد وضعیت تأهل می‌توان گفت: ۱۰ نفر از زنان متأهل و ۵ نفر از آنها مجرد بودند. ویژگی‌های مصاحبه‌شوندگان در جدول ۲ آورده شده است.

جدول ۲: ویژگی‌های جمعیت‌شناختی مصاحبه‌شوندگان

ردیف	نام	سن	مقطع تحصیلی	وضعیت تأهل	منطقه سکونت	رشته تحصیلی	دانشگاه محل تحصیل	وضعیت اشتغال
۱	فریبا	۴۶	ارشد	متأهل	مرکز	پیراپزشکی	تهران جنوب	شاغل
۲	میترا	۴۹	دکتری	متأهل	غرب	جامعه‌شناسی	علوم تحقیقات	شاغل
۳	سمیرا	۳۰	دکتری	مجرد	غرب	مدیریت آموزشی	تهران مرکز	شاغل
۴	ریحانه	۳۴	دکتری	مجرد	غرب	جامعه‌شناسی	علوم تحقیقات	شاغل
۵	نوشین	۵۰	دکتری	متأهل	غرب	جامعه‌شناسی	تهران مرکز	شاغل
۶	الهه	۵۰	ارشد	متأهل	غرب	ارتباطات	تهران مرکز	خانه‌دار
۷	فهیمة	۴۸	ارشد	متأهل	شرق	فیزیک	تهران مرکز	خانه‌دار
۸	سارا	۴۲	ارشد	مجرد	شرق	جامعه‌شناسی	تهران مرکز	شاغل
۹	افسانه	۴۲	ارشد	متأهل	مرکز	مترجمی زبان	تهران شرق	خانه‌دار
۱۰	زهرا	۴۵	دکتری	متأهل	مرکز	جامعه‌شناسی	علوم تحقیقات	خانه‌دار
۱۱	شهناز	۴۹	دکتری	مجرد	غرب	جامعه‌شناسی	علوم تحقیقات	شاغل
۱۲	مریم	۳۶	دکتری	متأهل	شرق	علوم اجتماعی	علوم تحقیقات	شاغل
۱۳	ماندانا	۵۰	دکتری	متأهل	مرکز	علوم اجتماعی	علوم تحقیقات	شاغل
۱۴	مهناز	۵۰	ارشد	متأهل	مرکز	علوم اجتماعی	علوم تحقیقات	شاغل
۱۵	منیره	۳۶	ارشد	مجرد	مرکز	مددکاری	تهران مرکز	شاغل

برای انجام گونه‌شناسی دین‌داری نیم‌نگاهی نیز به چارچوب نظری پویافر (۱۳۹۷) داشته‌ایم. وی با بررسی نظری (بهره‌مندی از نظریات گوناگون در حوزه دین) و تجربه دینی به سه بعد رسیده است. در این مطالعه آمده است که نگرش‌های دینی برای جهت‌دهی به نحوه انجام آداب و اعمال زیارتی مهم هستند که در بعد اعتقادات و باورهای دینی قرار می‌گیرند. همچنین، کنش‌ها و آداب زیارتی وجود دارند که نشانه‌های بروز تجربه دینی هستند که این مورد هم اشاره به بعد اعمال دینی

دارند. تجربه دینی زیارت هم ماهیتی انفعالی و درونی دارد، معطوف به درک باطنی، حسی و تجربه معنای تماس با امر مقدس است که ناظر بر بعد عواطف و احساسات دینی است (پویافر، ۱۳۹۷). این تقسیم‌بندی خود بر پایه تعاریف جوهری دین‌داری اتخاذ شده است؛ به‌صورتی که طالبان و رفیعی بهابادی (۱۳۸۹) می‌نویسند تعریف جوهری از دین خود شامل سه دسته است: عقل‌گرا، عاطفه‌گرا و عمل‌گرا. در تعاریف عقل‌گرا، دین نوعی ایمان و اعتقاد به دسته‌ای از گزاره‌ها در نظر گرفته می‌شود. در تعریف عاطفه‌گرا، دین امری عاطفی و احساسی تلقی می‌شود و در تعریف عمل‌گرا دین منحصر به انجام برخی اعمال و مناسک تعریف می‌شود. در پژوهش حاضر نیز براساس سه بعد یادشده در دین‌داری و همچنین تمایز بین دو گونه کلی نگرش و کنش دیندارانه و غیردیندارانه، ابعاد و شاخص‌های زیر در نظر گرفته شد:

الف) اعتقادات و باورهای دینی

اعتقاد به خدا (دین‌دارانه): تقریباً تمامی مصاحبه‌شوندگان ورای اعتقادشان به امور دیگر دینی به وجود خداوند باور قلبی داشته‌اند. این اعتقاد به شکل‌های مختلفی بوده است. برخی به خدا اعتقاد داشتند و او را مهربان و بخشنده می‌دانستند، برخی به خدا به شکل فلسفه وحدت وجود ملاصدرا باور داشتند.

اعتقاد به فرایض و اصول دینی (دین‌دارانه): در مورد فرایض دینی افراد دیدگاه‌های متفاوتی داشتند. مثلاً، سمیرا نماز را سبب نزدیکی انسان به خدا و مقدس دانسته است. مهناز اعتقاد دارد نمازخواندن به جای آوردن شکر نعمت‌های خداست. افسانه اعتقاد دارد نماز برای خود آدم خوب است و خدا نیازی به نماز ما ندارد. بیشتر مصاحبه‌شوندگان به پیامبر و ائمه اطهار هم معتقد بودند و آنها را انسان‌هایی آگاه و مقدس می‌دانستند.

ارجحیت اخلاق به دین (غیردین‌دارانه): تقریباً تمامی مصاحبه‌شوندگان به اهمیت اخلاق اشاره کرده‌اند و بیشتر آنها حتی اخلاق را بالاتر از دین قرار داده‌اند. دروغ نگفتن، تهمت نزدن، حق کسی را ضایع نکردن، کمک به افراد نیازمند، آسیب نرساندن به کسی از جمله مواردی بود که افراد به آنها اشاره می‌کردند و آن را مهم‌تر از مثلاً برپایی نماز یا گرفتن روزه می‌دانستند.

عدم اعتقاد به فرایض و اصول دینی (غیردین‌دارانه): از بُعدی دیگر در برخی از مصاحبه‌شوندگان شاهد عدم اعتقاد به برپایی مناسک دینی بودیم. برخی معتقد بودند که راه ارتباط با خدا محدود به نماز نمی‌شود و افراد می‌توانند به جای آن به طرق مختلف مانند مدیتیشن، صحبت کردن عادی با خدا، نوشتن برای خدا با خداوند ارتباط برقرار کنند. برخی دیگر به نماز و روزه اعتقادی نداشتند و

آن را کمک‌کننده و مقدس نمی‌شمردند. برخی از زنان می‌گفتند با توجه به عرف و شرایط محیطی تصمیم می‌گیرند که تا چه اندازه‌ای حجاب خود را رعایت کنند.

بدعت در دین‌داری (غیردین‌دارانه): برخی از مصاحبه‌شوندگان اعتقادشان را به شکلی متناسب با وضعیت و تجربه زیسته خود تغییر داده بودند و آن را از شکل اولیه خود منحرف کرده بودند. در این موارد بحث اعتقاد داشتن یا نداشتن نبود؛ بلکه اعتقاد به چیزی جدید (ولی برگرفته از اصول دینی قبلی) بود. مثلاً می‌توان معتقد بود که آرایش ملایم جایز است؛ یعنی نه اعتقاد به جایز بودن آرایش داشت و نه اعتقاد به جایز نبودن آن؛ بلکه شروطی را برای آن قرار داده بود. آرایش وقتی جایز است که ملایم باشد.

در حالت کلی می‌توان گفت که بعد اعتقادات و باورهای دینی در بردارنده نگرش و دیدگاه افراد به امر دینی است. به عبارتی عقیده محتوای نظری یک آیین است که به موضوعات بنیادین هستی‌شناختی مربوط می‌شود (شجاعی‌زند، ۱۳۸۴). اعتقادات خود می‌توانند در فهم و تعبیر تجربه‌های دینی نقش اساسی داشته باشد، همچنین، خود به شکلی پایه عمل و سلوک دینی قرار بگیرد (نراقی، ۱۳۷۸). به دیگر سخن، بین اعتقادات دینی که در این بخش بررسی شد و عواطف و کنش‌های دینی رابطه تنگاتنگی برقرار است. مفاهیم کلان استخراج‌شده مربوط به شاخص‌های یادشده در جدول ۳ قابل مشاهده هستند.

جدول ۳: مؤلفه‌ها، شاخص‌ها و مفاهیم کلان در بعد اعتقادات و باورهای دینی

مؤلفه	شاخص	مفهوم کلان
دین‌دارانه	اعتقاد به خدا	اعتقاد به خدا، اعتقاد کامل به خدا به علت اینکه علمی بودن مناسک بعدها توسط غربی‌ها به اثبات رسیده است، اعتقاد به حکمت خدا حتی در بدترین شرایط، قابل تصور نبودن زندگی بدون خدا، اعتقاد فقط به خدا مقدم بر دین، قبول خدا به شکلی فلسفی، اعتقاد به بخشنده بودن خدا، پررنگ بودن حضور خدا در زندگی، چنگ زدن به ریسمان خدا در سختی‌ها، ایمان راسخ به خدا
	اعتقاد به فرایض و اصول دینی	اعتقاد قلبی به نمازخواندن بیشتر از تکالیف دیگر، اعتقاد به اینکه نماز بنده را به خدا نزدیک‌تر می‌کند، اعتقاد به گره‌گشا بودن قرآن، اعتقاد به معاد و روز جزا، اعتقاد عمیق به دعای مادر، اعتقاد به رعایت حجاب، مخالف ارتباط با جنس مخالف حتی در تلگرام، اعتقاد به پیامبر و ائمه اطهار، مقدس دانستن نماز، شکر نعمت‌های خدا دانستن نماز، نجس دانستن پدر و ظروف به خاطر مشروب خوردن، اعتقاد به درست انجام دادن آداب و رسوم دین‌داری، اعتقاد به خوب بودن نماز برای خود آدم، حفظ عزت نفس زن با حجاب، تکلیف یا بار ندانستن نماز، پاک‌سازی روح دانستن توبه، رسیدن به معنا از طریق دین، نمازخواندن شرط اولیه دین‌داری، حرام دانستن دروغ، اعتقاد ناخودآگاه به منجی، اعتقاد به حلال و حرام

مؤلفه	شاخص	مفهوم کلان
غیردین دارانه	ارجحیت اخلاق به دین	اهمیت دادن به باخلاق و انسان بودن افراد نه دیندار بودن، اعتقاد به آموزش اخلاقیات به کودکان، جوابگو نبودن اسلام به اصول اخلاقی، اهمیت بیشتر احترام به حقوق دیگران از نماز و روزه، اعتقاد به رعایت اخلاقیات تا دین داری، اعتماد و صداقت را اصل زندگی دانستن، اعتقاد به آموزش اصول انسانی به فرزندان به جای اصول دینی، اعتقاد به اخلاقیات فراتر از دین داری، اهمیت دادن به رعایت اخلاقیات
	عدم اعتقاد به فرایض و اصولی دینی	اعتقاد به متعدد بودن راه های ارتباط با خدا (مانند مدیتیشن)، اعتقاد به سازگار کردن پوشش و آرایش با محیط، عدم اعتقاد به روزه، اعتقاد به مانع بودن آموزه های دین، اعتقاد نداشتن به نماز و روزه، اعتقاد به کمک کننده نبودن آموزه های دینی، حماقت دانستن شرکت در مراسم عزاداری، عدم اعتقاد به منجی، عدم اعتقاد به معجزه، عدم اعتقاد به نجس بودن سگ، مسخره دانستن زیارت عاشورا، منسوخ شدن و بی معنا شدن فرایض دینی، نبود عدالت در دین، با عقل جور درنیامدن قرآن، عدم اعتقاد به خطبه عقد، گناه و حرام ندانستن موسیقی، صدمه زدن به دیگران با دین داری، عدم اعتقاد به نذر و اتصال به خدا، عدم اعتقاد به امر به معروف و نهی از منکر، عبث و بیهوده دانستن عزاداری ها (شب های احیا)، عدم اعتقاد به نذری و صدقه، عدم اعتقاد به حجاب، جایز دانستن استفاده از مشروبات الکلی
	بدعت در دین داری	گناه دانستن انجام کاری که حال خود آدم را بد کند، جایز دانستن آرایش ملایم، شخصی و فردی بودن دین، قبول داشتن خدا و پیغمبر و ائمه ولی نه قواعد دینی، قبول داشتن دین به سبک خود، دین داری به نماز و روزه نیست، گناه دانستن آسیب زدن به دیگران، حجاب باید در نگاه، فکر و چشم باشد نه مو

ب) اعمال دینی

انجام تکالیف دینی (دین دارانه): در مورد کنش های دینی که زنان انجام می دادند می توان به شرکت در (یا برپایی) عزاداری های شب های قدر و محرم اشاره کرد. زنان زیادی در مراسم مذهبی شرکت می کردند؛ به ویژه شب های قدر و روز عاشورا و تاسوعا روزهایی بودند که افراد در آن روزها دعاها و مناسک خاصی (مانند مشکی پوشی) را انجام می دادند. تعداد زیادی از زنان نماز می خواندند و روزه می گرفتند؛ حتی چند نفر اشاره کردند که هیچ نماز و روزه قضایی ندارند و تعدادی هم گفتند که گاهی نمازشان را اول وقت نمی خوانند یا قضا می شود؛ ولی باوجوداین، در حالت کلی فریضه نماز را به جای می آورند. یکی از مصاحبه شوندگان اشاره کرده است که با وضو بیرون می رود تا اگر لحظه اذان بیرون بود، همان جا نماز اول وقت بخواند.

عدم انجام تکالیف دینی (غیردین دارانه): برخی از زنان گفته اند که در مراسم ها آرایش می کنند، حجاب ندارند و موهایشان پیداست. تعدادی از زنان نماز نمی خواندند و روزه نمی گرفتند و در

مراسم‌های عزاداری شرکت نمی‌کردند. برخی از زنان گفته‌اند که مشروب و آبجو استفاده می‌کنند و به بهشت و جهنم اعتقادی ندارند.

بدعت در تکالیف دینی (غیردین‌دارانه): منظور از بدعت در تکالیف دینی کارهایی است که افراد انجام می‌دهند که ترکیب آنها با کارها یا اعتقادات دیگر همخوانی ندارد یا تغییری در اصل یکی از آداب دینی است. مثلاً، یکی از مصاحبه‌شوندگان با اینکه به نماز و روزه اعتقادی نداشت و آنها را انجام نمی‌داد، ولی زیارت عاشورا و جوشن کبیر را می‌خواند. این نوع گزینشی عمل کردن در دین از ویژگی‌های بسیاری از مصاحبه‌شوندگان بود. چند نفر از مصاحبه‌شوندگان هم با لاک ناخن یا کاشت ناخن نماز می‌خواندند و آن را صحیح می‌دانستند.

تظاهر و اجبار (غیردین‌دارانه): برخی از افراد هم اشاره کرده‌اند که در محیط‌های مختلف مانند خانواده، مدرسه و محیط کار مجبور شده‌اند برخی از مناسک دینی را رعایت کنند و برای طرد نشدن از آنجاها این کارها را انجام داده‌اند. افسانه هم بیان کرده است که چون مجبور بود در خانه نماز بخواند و دلش نمی‌خواست بخواند گاهی وانمود می‌کرد نماز می‌خواند؛ ولی نمی‌خواند.

اعمال دینی همان‌طور که از نام آن برمی‌آید، آن بخشی از دین‌داری است که قابل مشاهده است و در آن مجموعه عقاید و احساسات تبدیل به عمل می‌شود. با اقتباس از مطالعه شجاعی‌زند (۱۳۸۴) در پژوهش حاضر اعمال دینی را مجموعه عبادات یعنی تمامی رفتارهایی در نظر می‌گیریم که افراد در مقام پرستش خداوند چه به صورت فردی و چه جمعی به جای می‌آورند و شریعت به معنای اوامر صریح و غیرصریح دینی است که نحوه تعامل با خود، طبیعت و دیگران را تعیین می‌کند. مفاهیم کلان استخراج‌شده از مصاحبه‌ها در شاخص‌های یادشده در جدول ۴ قابل مشاهده است.

جدول ۴: مؤلفه‌ها، شاخص‌ها و مفاهیم کلان در بعد اعمال دینی

مؤلفه	شاخص	مفهوم کلان
دین‌دارانه	انجام تکالیف دینی	انجام عزاداری در شب‌های قدر و محرم، نمازخواندن و روزه گرفتن، به جای آوردن تمامی روزه‌های واجب، قرآن خواندن هر روزه، قضا شدن گهگاهی نماز صبح، توکل به خدا، رعایت حجاب، عجین بودن با قرآن، پرهیز از جشن و سرور و مسافرت در ایام شهادت، روزه نگرفتن با عذر شرعی (میگرن)، عدم توانایی در منفک شدن از ائمه اطهار، انتخاب اسم مذهبی برای فرزندان، رفتن به حج، پرداخت خمس، نگاه داشتن روزه تحت هر شرایطی، بیرون رفتن با وضو (جهت خواندن آسان‌تر نماز)، ازدواج با فردی دین‌دار، شرکت در مراسم مذهبی، مشکی پوشیدن در روز عاشورا، قرآن خواندن، نمازخواندن و روزه گرفتن، صدقه دادن، مشروب نخوردن، ندیدن فیلم‌های با روابط آزاد، ترک کار به خاطر اجبار به معاشرت با جنس مخالف، شرکت در نماز جمعه، گذاشتن فرزندان در مدارس اسلامی، روزه گرفتن تحت هر شرایطی، توجه به اصول دینی در انتخاب موزیک و فیلم

مؤلفه	شاخص	مفهوم کلان
غیردیندارانه	عدم انجام تکالیف دینی	عدم توجه به ایام شهادت و شرکت در جشن‌ها در آن روزها، نماز نخواندن، آرایش در مهمانی‌ها، توصیه به عدم رعایت حجاب در فرزندان، عدم دخالت در دین‌داری فرزندان، نماز نخواندن آگاهانه، نقش نداشتن دین در ازدواج، شرکت نکردن در مراسم‌های دینی، شرکت نکردن در نماز جمعه، قبول نداشتن بهشت و جهنم، خوردن شراب و آبیجو، نقش نداشتن دین در زندگی، رفتن به مسجد (در هنگام فوت آشنایان) در هنگام پیروزی، وصیت به نگرفتن مراسم و قرآن نخواندن بعد از مرگ، حتی یک‌بار هم خدا رو صدا نکردم، شک کردن در اعمال زیارت، شک کردن در توانمندی خدا، موهام رو هم به شال سرم میندازم اون هم سر احترامی که به بقیه میدارم، رعایت اصول اخلاقی و انسانی به‌جای احکام دینی، توصیه به فرزندان برای رعایت مسائل اخلاقی و اصول انسانی، نقش نداشتن دین در استفاده از محصولات فرهنگی (مانند فیلم، موسیقی و اوقات فراغت)، توقیف شدن ماشین به خاطر عدم رعایت حجاب، نخواندن قرآن، دست دادن و بیرون رفتن با جنس مخالف، رعایت حجاب براساس عرف، انجام ندادن هیچ‌کدام از مناسک دینی، رفتن به سفر در ایام عاشورا تا سوعا، گوش دادن به آهنگ در ماه محرم، ارتباط با نامحرمان بدون توجه به اصول دینی و در حد عرفی، دست دادن با مردان همکار در محل کار، رعایت نکردن آداب نمازخوانی در صورت لزوم، اکثر اوقات قضا شدن نماز صبح، نماز نخواندن به نشانه ناراحت بودن از خدا
	بدعت در تکالیف دینی	قضا شدن نماز به خاطر کارهای دیگر، نماز نخواندن با لاک، نماز نخواندن و ناخن کاشتن و آرایش کردن، فقط جلوی موها معلوم میشه، کنار گذاشتن برخی از آموزه‌های دینی به خاطر مانع بودنشان، صرف رعایت نماز و روزه دین‌داری نیست، روزه گرفتن متناسب با وضعیت جسمی، چند روز نماز نخوندن و قضا شدن نماز، حرف زدن شبانه با خدا به‌جای نماز نخواندن، نوشتن برای خدا به‌جای نماز نخواندن، عدم رعایت اصول لازم برای نماز نخواندن (با ناخن مصنوعی نماز نخواندن)
	تظاهر و اجبار	تظاهر به دین‌داری، مجبور بودن به نماز نخواندن و روزه گرفتن در مدرسه و محل کار، مجبور بودن به نماز نخواندن و روزه گرفتن در خانه، دین‌داری به خاطر امتیاز گرفتن (مثلاً پیدا کردن کار)، وانمود کردن به خواندن نماز

ج) عواطف و احساسات دینی

احساسات مثبت: برخی از مصاحبه‌شوندگان عنوان کرده‌اند که از خواندن زیارت عاشورا حس خوبی می‌گیرند. به همین خاطر این کار را انجام می‌دهند. منیره گفته است که قرآن خواندن او را به آرامش می‌رساند. همچنین، شهناز اظهار کرده است از مسلمان بودن خود احساس خوشبختی می‌کند. احساسات خوبی که از اعتقادات و کنش‌های افراد ناشی می‌شود در این دسته قرار گرفته‌اند که گاه همین حس‌ها سبب تداوم کنش‌ها می‌شود.

احساسات منفی: گاه دین‌داری خود حس‌های منفی نیز با خود دارد. مثلاً، ماندانا گفته است از اینکه ناخن کاشته بود، احساس عذاب وجدان داشته است یا فریبا اظهار کرده از دیر خواندن نماز اضطراب می‌گیرد. برخی از اینکه مورد عذاب الهی قرار گیرند یا از اینکه مناسک دینی را انجام ندهند، می‌ترسیدند. یا از اینکه تکالیف دینی را انجام ندهند، احساس گناه شدیدی می‌کردند. حتی ماندانا گفته است به خاطر قضا شدن نماز گریه کرده است. بنابراین، به برخی از حس‌های

منفی مانند ترس، عذاب وجدان، احساس گناه، اضطراب، ناراحتی اشاره شده است. عواطف و احساسات شامل تمامی حس‌هایی است که مصاحبه‌شوندگان در ارتباط با دین‌داری خود تجربه کرده بودند که مفاهیم کلان مربوط به آن در جدول ۵ قابل مشاهده است.

جدول ۵: مؤلفه‌ها، شاخص‌ها و مفاهیم کلان در بعد عواطف و احساسات دینی

شاخص	مفهوم کلان
احساسات مثبت	حس خوب گرفتن از خواندن زیارت عاشورا و جوشن کبیر، آرامش گرفتن از قرآن خواندن، احساس خوشبختی از مسلمان بودن، احساس آرامش در اماکن مذهبی مثل امام‌زاده صالح، دست دادن حال خوب با مداحی‌ها، داشتن آرامش از انتخاب دین، آرامش گرفتن از دین، آرامش گرفتن از نماز خواندن، خوب شدن حال با گفتن ای روح الهی من رو ببخش، لذت بردن از نمازخواندن، آرامش گرفتن از خدا، لذت بردن از روزه گرفتن، خوب شدن حال با نماز، به جور شدن حال و بهتر شدن حال با دعاها و نوحه‌ها، مخدر و مسکن دانستن منجی، آرامش گرفتن از اخلاقیات، لذت بردن بیشتر از مراقبه نسبت به نماز
احساسات منفی	احساس گناه به خاطر نداشتن حس به شب‌های احیا، احساس گناه از انجام ندادن تکالیف دینی، رنج کشیدن از بلا تکلیفی در مورد منجی، ترس از طرد شدن به خاطر تقیدات دینی، داشتن عذاب وجدان از کاشتن ناخن، ناراحتی از قضا شدن نماز، تلاطم درونی و اضطراب از نماز نخواندن، اذیت شدن و خراب شدن حال به خاطر رعایت تکالیف دینی، ترس از عذاب خدا، ترس از نخواندن نماز، ترس از خدا به خاطر شکستن روزه، ترس از رفتن به جهنم، گریه کردن به خاطر قضا شدن نماز، احساس بد از نمازخواندن با لاک، نارضایتی فرزندان به خاطر دین‌داری مادر، اذیت شدن به خاطر دین‌داری همسر

حال با توجه به اینکه دین‌داری هر مصاحبه‌شونده در کدام یک از ابعاد گفته شده چیرگی داشته باشد فرد به آن گونه تعلق می‌گیرد. واضح است تناظر کامل با یکی از گونه‌ها بعید است؛ بلکه آنچه اهمیت دارد چیرگی یکی بر گونه‌های دیگر است. پویافر (۱۳۹۷) در پژوهش خود سه گونه سنت‌گرا-عادت‌گرا، شریعت‌گرا-مناسک‌گرا و عاطفه‌گرا-معناگرا را به دست آورده است که در این پژوهش هم از آنها استفاده شده است. اما از آنجایی که گونه‌شناسی پویافر (۱۳۹۷) در اصل برای تمایز گونه‌های تجربه زیارت بوده است، تفاوت‌هایی در انطباق آن با پژوهش حاضر (گونه‌های دین‌داری) وجود دارد؛ به‌صورتی که در پژوهش حاضر بین دو گونه سنت‌گرا-عادت‌گرا و عاطفه‌گرا-معناگرا تفاوت قابل‌توجهی دیده نمی‌شود؛ از این رو، این دو گونه به یک‌گونه با عنوان عاطفه‌گرا-معناگرا تقلیل یافت؛ ولی گونه شریعت‌گرا-مناسک‌گرا با همان صورت، در پژوهش حاضر هم در نظر گرفته شد. همین‌طور با توجه به جدول ۵ گونه دیگری از دین‌داری در زنان مشخص شد که مربوط به دین‌داری خودمرجع است؛ یعنی برخی از زنان سعی کرده‌اند تغییراتی در دین‌داری خود ایجاد و آن را شخصی‌سازی کنند که در این پژوهش از آن به عنوان دین‌داری خودمرجع نام برده می‌شود و در جدول با عنوان بدعت‌ها آورده شده است. گونه دیگری که در بین

مصاحبه‌ها به‌وفور به چشم می‌خورد، دین‌داری اخلاق‌گراست که این افراد بیشتر به رعایت اخلاقیات معتقدند تا دین‌داری. در این قسمت عبارات مهم مرتبط برای تشخیص دین‌داری برخی از مصاحبه‌شوندگان آورده شده است تا سبک دین‌داری آنها مشخص شود.

برای مثال، فریبا می‌گوید: «بعضی وقت‌ها توی ماشین روسری‌ام افتاده خودم متوجه نشدم، یه دفعه همسرم به هم گفته روسری‌ت افتاد، من با عجله روسری‌ام رو درست کردم» یا در مورد به‌جای آوردن فریضه نماز و روزه اشاره کرد که «ما روزه‌مون رو یا مثلاً نماز خواندن رو انجام می‌دیم و مثل قبل هم پررنگه». همچنین گفت: «تاسوعا عاشورا یا شب‌های قدر و اینا سعی می‌کنم یه زمان‌هایی برای این موارد کنار بذارم». از این‌رو، به علت پررنگ بودن بعد کنشی دین‌داری و انجام نسبتاً کامل مناسک دینی، فریبا در گونه دین‌داری شریعت‌گرا - مناسک‌گرا قرار می‌گیرد.

شهناز یکی دیگر از مصاحبه‌شوندگان عنوان می‌کند: «گاهی شده با خدا گله می‌کنم که چرا با من این کارو می‌کنی. گاهی فکر می‌کنم که شاید خدا من رو لایق نمی‌دونه ولی دوباره باهاش آشتی می‌کنم و دوباره توکل می‌کنم». در ادامه می‌گوید: «فکر می‌کنم من چقدر خوشبختم که مسلمانم و شماها (خدا و گاهی انمه اطهار) رو دارم». شهناز معتقد است: «زندگی بدون خدا قابل‌تصور نیست» و اشاره می‌کند: «من خدا را قبول دارم پیغمبر و ائمه را قبول دارم؛ ولی قواعد دینی احساس می‌کنم خیلی تبعیض‌آمیز هست». همان‌طور که برمی‌آید شهناز به علت پررنگ بودن وجه عاطفی و اعتقادی در گونه عاطفه‌گرا - معناگرا قرار می‌گیرد.

سمیرا هم می‌گوید: «محرم زیارت عاشورا می‌خونم یکی هم همین شب‌های قدر جوشن کبیر می‌خونم». درباره نماز و روزه هم می‌گوید «به روزه اعتقادی ندارم ولی نماز خیلی چیز مقدسیه که آدم‌ها انجام میدن ولی احساس می‌کنم نحوه ارتباط من با خدا نماز نیست یه چیز دیگه است همونیه که شب‌ها باهاش حرف می‌زنم، من خیلی وقت‌ها می‌نویسم با خدا صحبت می‌کنم می‌نویسم دقیقاً خط به خط می‌نویسم». همچنین، در مورد حجاب اشاره می‌کند: «من تقیدات دینی‌ام در این حد زیر پا می‌ذارم که شاید مثلاً شالم رو بردارم». بنابراین با توجه به بدعت‌هایی که سمیرا در انجام مناسک دینی و دین‌داری بنا نهاده، در زمره افراد دین‌دار خودمرجع قرار می‌گیرد.

یکی دیگر از شرکت‌کنندگان به نام زهرا می‌گوید: «هر قواعد اخلاقی باید توی زمینه خودشون زمینه زمانی و جغرافیایی بررسی بشن ولی خیلی وقت‌ها الان دیگه احکام اسلامی جوابگوی اصول اخلاقی نیست و برخوردهای زیادی هست بینشون». زهرا اشاره می‌کند: «ترتیب دین رو توی چارچوب اخلاقیات و انسانیت زمان خودم و اطراف خودم و اون چیزایی که خودم بهش معتقدم می‌ذارم» و «تمام خط قرمزها و محدودیت‌ها رو فقط اخلاق خودم و قوانین اخلاقی تعیین میکنه نه

دین، دین نمی‌تونه برای من خط قرمزی تعیین کنه». همان‌طورکه مشهود است به علت تأکید زیاد ایشان به اخلاقیات و اهمیت زیاد آن در زندگی، در گونه دین‌داری اخلاق‌گرا قرار می‌گیرد. به بیانی دقیق‌تر در بررسی تغییرات صورت گرفته و انواع دین‌داری که زنان با آن روبه‌رو هستند، می‌توان گفت: در زنان تهرانی متولدین دهه‌های ۵۰ و ۶۰ شاهد چهار سبک دین‌داری هستیم که عبارت‌اند از: ۱. دین‌داری شریعت‌گرا-مناسک‌گرا؛ ۲. دین‌داری عاطفه‌گرا-معناگرا؛ ۳. دین‌داری خودمرجع و ۴. دین‌داری اخلاق‌گرا. از ابعاد به‌دست‌آمده دو گونه اولی در پژوهش پویافر (۱۳۹۷) هم به‌دست‌آمده بود؛ ولی در پژوهش او، سه سبک دیگر شناسایی شده بود که در این پژوهش دیده نشد و به‌جای آنها دو گونه دیگر دین‌داری خودمرجع و اخلاق‌گرا به‌دست‌آمد. همچنین، یافته‌های پژوهش حاضر به همراه یافته‌های مطالعات حسن‌پور و شجاعی‌زند (۱۳۹۳) و تصدی‌کاری و همکاران (۱۳۹۹) به‌صورت خلاصه در جدول ۶ قابل‌مشاهده است.

جدول ۶: مقایسه نتایج مطالعات گونه‌شناسی

مطالعه حاضر	مطالعه تصدی‌کاری، محدثی‌گیلوانی و معدنی (۱۳۹۹)	مطالعه حسن‌پور و شجاعی‌زند (۱۳۹۳)
شریعت‌گرا-مناسک‌گرا عاطفه‌گرا-معناگرا خودمرجع اخلاق‌گرا	اعتقادی عاطفی عرفانی-معنوی مناسکی شریعت‌مدارانه اخلاقی-فردی اخلاقی-اجتماعی	عبادی مناسکی فقهی خودمرجع قلب‌پاک اخلاق‌گرا

بحث و نتیجه‌گیری

براساس تفسیر داده‌های کیفی حاصل از مصاحبه‌ها، چهارگونه دین‌داری در میان زنان تهرانی شناسایی شد؛ البته گونه چهارم یعنی دین‌داری اخلاق‌گرا، در عمل، خارج از چارچوب گفتمانی دین‌رسمی و یک نوع بدیل و انتخاب فردی جایگزین برای دین مستقر به شمار می‌رود. اول) گونه شریعت‌گرا-مناسک‌گرا اشاره به رعایت مناسک دارد. افرادی در این دسته از دین‌داری قرار می‌گیرند که مناسک دینی را به‌جای می‌آورند و به آموزه‌های فقهی و شرعی اهمیت می‌دهند. این دسته از افراد نماز می‌خوانند. روزه می‌گیرند. حجاب اسلامی خود را رعایت می‌کنند. در مراسم‌های مذهبی مانند شب‌های قدر و عاشورا و تاسوعا شرکت می‌کنند و اعتقاد راسخ به خدا،

ائمه اطهار، معاد و منجی دارند. به عبارتی این افراد هم مناسک دینی را انجام می دهند و هم اعتقاد قلبی به دین و انجام مناسک دارند؛

دوم) دین داری عاطفه گرا-معناگرا: افراد به اندازه گروه قلبی به رعایت مناسک دینی پایبند نیستند. با اینکه برخی از مناسک را انجام می دهند و به آن اعتقاد دارند، ولی احساس لذت و آرامشی که از اعتقادات و اعمال خود می گیرند یا ترسی که از انجام ندادن آنها می گیرند در آنها پررنگ تر است؛

سوم) دین داری خودمرجع است. افرادی که در این گروه قرار می گیرند، تغییراتی در دین داری خود داده اند. این افراد پایبند به بخش هایی از مناسک یا اعتقادات دینی هستند و از سوی دیگر، به برخی دیگر از اصول دینی اعتقادی ندارند و مناسک آن را به جای نمی آورند. به عبارت دیگر، در انجام آدابی معین تغییراتی به وجود آورده اند که با اصل آن متفاوت شده است. در این گونه، افراد دچار تغییر و تحولاتی در دین داری خود بوده اند و به نوعی به بازتعریف دین پرداخته اند. در این بازتعریف، فرد دین را به نوعی شخصی سازی و آن را متناسب با شرایط و روحیات خود کرده است. در پژوهش حسن پور و شجاعی زند (۱۳۹۳) هم با همین عنوان و همین محتوا آورده شده است. ایشان هم در پژوهش خود به گونه ای رسیده اند که در آن فرد براساس قرائت شخصی خود دین و احکام دینی را تفسیر و تأویل می کند و آن را دین داری خودمرجع نامیده اند. با توجه به تغییرات به وجود آمده در دین داری افراد در دنیای مدرن و لزوم وفق یافتن فرد با تغییرات بیرونی باعث شده است که بسیاری به این سمت بروند که تعریف شخصی خود را از دین داشته باشند تا هم بتوانند دین دار باقی بمانند و هم بتوانند با دنیای بیرونی و در حال تغییر هماهنگ شوند.

چهارم) دین داری اخلاق گرا: به کسانی اطلاق شد که اخلاق در زندگی آنها نقش پررنگ تری نسبت به دین داشت. این افراد یا دین داری را در چارچوب اخلاق می بینند یا به دین داری اعتقادی ندارند و اخلاق را مهم تر می شمارند. افرادی که در این گروه قرار می گیرند حتی در صورت رعایت مثلاً برخی آداب اسلامی معتقدند آن را نه به خاطر دینی بودن بلکه به خاطر رعایت اخلاق انجام می دهند. دین داری اخلاق گرا قرابت زیادی به دین داری خودمرجع دارد؛ ولی تفاوت آنها در این است که افرادی که دین داری اخلاق گرا را برگزیده اند تا حد کمی در قیدوبند امور دینی بوده اند و حتی شاید اعتقادی به دین نداشته اند و اخلاق را به جای آن گذاشته اند؛ در حالی که در دین داری خودمرجع فرد معتقد به امور دینی است و حتی بسیاری از مناسک را هم به جا می آورد فقط با نظر خود تعدیلاتی در نحوه اجرای مناسک به وجود آورده یا ترکیب مناسکی که انجام می دهد را خودش تعیین کرده است. گفتنی است دین داری اخلاق گرا هم در پژوهش حسن پور و شجاعی زند

(۱۳۹۳) به‌دست‌آمده است که آن را ناظر بر رعایت اصول اخلاقی و داشتن انسانیت دانسته‌اند. در پژوهش حاضر مصاحبه‌شوندگان بیشتر اخلاق را در راستی و صداقت، آزار نرساندن به دیگران، تهمت نزدن، دروغ نگفتن و احترام گذاشتن به عقاید همه دانسته‌اند و اینها را از نماز خواندن و روزه گرفتن جدا دانسته‌اند و حتی مهم‌تر از آنها.

بنابراین، در حالت کلی می‌توان گفت: نتایج پژوهش حاضر نشان می‌دهد که دین‌داری زنان در حال تغییر است. افراد با اینکه به دین معتقدند و به خدا اعتقاد دارند، ولی در امور مانند حجاب، مراسم مذهبی، نماز و روزه و... دیدگاهی بدیعی به دست آورده‌اند و حتی انجام برخی از احکام دین را هم کنار گذاشته‌اند که سبب شده است انواع جدیدی از دین‌داری به وجود آید. برخی، مناسک دینی را به‌جای می‌آورند، برخی بخشی از مناسک را به‌جای می‌آورند و بخش دیگری را نادیده می‌گیرند، برخی به اخلاقیات پایبندند و برخی ورای انجام مناسک، دارای دین‌داری عاطفه‌گرا-معناگرا هستند.

گفتنی است در انجام پژوهش حاضر محدودیت‌هایی مانند دسترسی محدود به دانشجویان به علت همه‌گیری کووید و تعطیلی دانشگاه‌ها، عدم تمایل برخی از زنان به مصاحبه و مشکل در یافتن نمونه‌ها و اختصاص یافتن پژوهش به زنان متولد دهه ۱۳۵۰ و ۱۳۶۰ با تحصیلات عالیه وجود داشته است. همچنین، برای پژوهش‌های آتی توصیه می‌شود که یکی از آنها انجام مطالعه‌ای به‌منظور طراحی پرسش‌نامه از مدل به‌دست‌آمده در پژوهش حاضر است تا زنان بیشتری مطالعه شوند و نتایج قابلیت تعمیم آماری داشته باشد و همچنین، به تحلیل و تأثیر این گونه‌های نوین دین‌داری در رویکردهای معرفتی و اجتماعی نسل‌های جوان به‌ویژه دهه‌های ۷۰ و ۸۰ پرداخته شود و این تأثیرات در پرورش نسل‌های آتی و صورت‌بندی نظام معرفتی و عقیدتی اجتماع آینده ایران بررسی شود.

منابع

۱. ارویولژه دانیل، پل ویلم، ژان، برشون، پی‌یر (۱۳۹۶). دین در جوامع مدرن، ترجمه علیرضا خدای. چاپ سوم، تهران: نشر نی.
۲. اسدی شیده، مریم (۱۳۹۰). بررسی انواع دینداری زنان در شهرستان آمل، مقایسه دینداری دختران دهه ۶۰ با دینداری مادران شان. پایان نامه کارشناسی ارشد مطالعات فرهنگی، دانشگاه علم و فرهنگ
۳. ایزدی، فائزه (۱۳۹۰). بررسی تطبیقی نظرات و نقش پیتر برگر در سیر تحولات جامعه‌شناسی دین. پایان نامه کارشناسی ارشد رشته ادیان و عرفان تطبیقی. دانشکده علوم انسانی. گروه ادیان و فلسفه. دانشگاه کاشان.
۴. پویافر، محمدرضا (۱۳۹۷). سنخ‌شناسی زیارت؛ مطالعه‌ای در میان زائران حرم رضوی. مجله جامعه‌شناسی ایران. ۱۹(۳)، ۷۸-۱۰۷.
۵. تصدی‌کاری، علی، محدثی گیلوایی، حسن، و معدنی، سعید (۱۴۰۰). الگوهای تحول دین‌داری در بین جوانان شهر رشت. توسعه اجتماعی دانشگاه شهید چمران اهواز، ۱۵(۴)، ۱۴۸-۱۱۵
۶. تصدی‌کاری، علی، محدثی گیلوایی، حسن، و معدنی، سعید (۱۳۹۹). سنخ‌شناسی دین‌داری در میان جوانان شهر رشت. جامعه‌شناسی نهادهای اجتماعی. ۷(۱۶)، ۳۴۹-۳۷۹
۷. جعفری کافی‌آباد، صابر، و سیدغراب، محمد (۱۳۹۷). پدیدارشناسی گونه‌های دین‌داری دانشجویان. فصلنامه تحقیقات کاربردی علوم انسانی اسلامی، ۲۳، ۴-۵۳.
۸. حسن‌پور، آرش، و ربانی، علی (۱۳۹۳). نقد مطالعات گونه‌شناسی دین‌داری و ارائه چارچوبی نو. مجله راهبرد فرهنگ. ۲۸، ۶۱-۹۰.
۹. حسن‌پور، آرش، و شجاعی زند، علیرضا (۱۳۹۳). گونه‌شناسی دین‌داری جوانان شهر اصفهان. جامعه‌شناسی کاربردی، ۲۵(۵۶)، ۱۷-۳۹.
۱۰. خدای، علیرضا (۱۳۹۶). پیشگفتار کتاب دین در جوامع مدرن. چاپ سوم، تهران: نشر نی.
۱۱. ذوالفقاری، ابوالفضل (۱۳۸۹). "رابطه میزان دینداری (التزام دینی) با نوع دینداری". فصلنامه علوم اجتماعی، دوره ۱۷، شماره ۴۹، ۶۷-۱۰۳
۱۲. شجاعی‌زند، علیرضا (۱۳۸۴). مدلی برای سنجش دین‌داری در ایران. مجله جامعه‌شناسی ایران، ۱۶(۱)، ۳۴-۶۶.

۱۳. طالبان، محمدرضا (۱۳۹۶). تحولات دین‌داری مردم ایران طی ۴ دهه اخیر. پایگاه اطلاع‌رسانی و خبری جماران - تهران. <http://www.amaran.ir>.
۱۴. طالبان، محمدرضا، و رفیعی بهابادی، مهدی (۱۳۸۹). تحولات دین‌داری براساس تفاوت‌های نسلی در ایران (۱۳۵۳-۱۳۸۸). مسائل اجتماعی ایران. ۱ (۲)، ۸۵-۱۱۴.
۱۵. طالبی ابوتراب، و براق علی‌پور، الهه (۱۳۹۴). گونه‌شناسی زیارت و دین‌داری زائران معنا کاوی کنش زیارت زائران امام رضا (علیه السلام). فصلنامه علوم اجتماعی، ۶۹، ۷۵-۱۰۶.
۱۶. علی‌پور، مسیح، محدثی گیلوایی، حسن، و کرمی‌پور، الله‌کرم (۱۳۹۸). سنجش میزان مرجعیت‌گرایی دینی و خوداتکایی دینی (مطالعه دو نسل پس از انقلاب اسلامی-گروه‌های سنی ۱۵ تا ۳۰ و ۵۰ تا ۶۵ سال). فصلنامه مطالعات فرهنگ-ارتباطات، ۲۰ (۴۵)، ۲۳۴-۲۰۵.
۱۷. فورشت، اینگرید، و ریستاد، پل (۱۳۹۴). درآمدی بر جامعه‌شناسی دین، ترجمه مجید جعفریان. انتشارات دانشگاه غیردولتی و غیرانتفاعی ادیان و مذاهب. لوح فکر.
۱۸. کمالی اردکانی، تاج‌الدین، و محدثی گیلوایی، حسن (۱۴۰۱). تحولات دین‌داری در بین دو نسل از زنان: مطالعه موردی: زنان منطقه ۴ تهران. دو فصلنامه جامعه‌شناسی نهادهای اجتماعی، ۹ (۱۹)، ۳۵-۵۷.
۱۹. گنجی، محمد و مینا هلالی ستوده (۱۳۹۰). "رابطه گونه‌های دینداری و سرمایه اجتماعی"، فصلنامه جامعه‌شناسی کاربردی، دوره ۲۲، شماره ۲، ۹۵-۱۲۰.
۲۰. نراقی احمد، (۱۳۷۸). رساله‌ی دین شناخت، تهران: انتشارات طرح نو.
۲۱. نظری، محمد (۱۳۹۳). مطالعه تحول در پابندی دینی دانشجویان دانشگاه خوارزمی. پایان‌نامه کارشناسی ارشد. دانشگاه خوارزمی.
22. Alam, Ian (2005). Fieldwork and Data Collection in Qualitative Marketing Research. *An International Journal*, 8(1), 97-112.
23. Bailey, Kenneth. (1994). *Typologies and Taxonomies an Introduction to Classification Techniques*. Sage publication.
24. Fauzi, E. P., Fasta, F., Nathan, R. J., & Jeong, S. W. (2020). Modern Muslimah in Media: a Study of Reception Analysis in "Saliha" Program on Net Tv. *Aspiration Journal*, 1(2), 137-165.
25. Giddens, Anthony; (2006). *Sociology*. 5th ed. Cambridge, UK: Polity Press.

26. Hunt, Stephen (2005). *Religion and everyday life*. London, NewYork: Routledge.
27. Heinz Streib, Zhuo Job Chen & Ralph W. Hood Jr. (2019). Categorizing People by Their Preference for Religious Styles: Four Types Derived from Evaluation of Faith Development Interviews. *The International Journal for the Psychology of Religion*, DOI: 10.1080/10508619.2019.1664213.
28. Nicolet, Sarah & Tresch, Anke. (2009). *Changing religiosity, changing politics? The influence of belonging and believing on political attitudes in Switzerland*. Politics and Religion Printed in the U.S.A. Section of the American Political Science Association.
29. Rane, H., & Duderija, A. (2021). Muslim typologies in Australia: Findings of a national survey. *Contemporary Islam*, 15(3), 309–335.
30. Warren, S. (2019). YourAverageMuslim: Ruptural geopolitics of British Muslim women's media and fashion. *Political Geography*, 69 (May 2018), 118–127.
31. Jack, E. P., & Raturi, A. S. (2006). Lessons learned from methodological triangulation in management research. *Management research news*, 29(6), 345–357.